

﴿ ۶۷ - سورة الإنسان - تعداد آیات ۳۱ ﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا ﴿١﴾ إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿٢﴾
 إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا ﴿٣﴾ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا ﴿٤﴾ إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ
 كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ﴿٥﴾ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ﴿٦﴾ يُوفُونَ بِالْأَذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ﴿٧﴾
 وَيُطْعَمُونَ أَطْعَامًا عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ﴿٨﴾ إِنَّمَا نَطْعَمُكُمْ لُوجُهُ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا ﴿٩﴾ إِنَّا
 نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ﴿١٠﴾ فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا ﴿١١﴾ وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً
 وَحَرِيرًا ﴿١٢﴾ مُتَكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا ﴿١٣﴾ وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا ﴿١٤﴾
 وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآنِيَةٍ مِّنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا ﴿١٥﴾ قَوَارِيرَ مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا ﴿١٦﴾ وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ
 مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا ﴿١٧﴾ عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا ﴿١٨﴾ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخْلَدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنثُورًا ﴿١٩﴾
 وَإِذَا رَأَيْتَ ثُمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا ﴿٢٠﴾ عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُدُوسٌ خُضِرَ لَهَا خِضْرًا لَّهُمْ فِيهَا سُرُورًا ﴿٢١﴾ وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ فِيهَا
 طُفُورًا ﴿٢٢﴾ إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَّشْكُورًا ﴿٢٣﴾ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا ﴿٢٤﴾ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ
 وَلَا تَطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا ﴿٢٥﴾ وَادْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٢٦﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا ﴿٢٧﴾
 هَؤُلَاءِ يَحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا ﴿٢٨﴾ نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَلَهُمْ تَبْدِيلًا ﴿٢٩﴾
 هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَن شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿٣٠﴾ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٣١﴾ يَدْخُلُ مِنْ يَشَاءَ فِي
 رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٣٢﴾

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

آیا زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکرى نبود؟ (۱)

ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم، و او را می آزماییم (بدین جهت) او را شنوا و بینا قرار دادیم! (۲)

ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس! (۳)

ما برای کافران، زنجیرها و غلها و شعله های سوزان آتش آماده کرده ایم! (۴)

به یقین ابرار (و نیکان) از جامی می نوشند که با عطر خوشی آمیخته است، (۵)

از چشمه‌ای که بندگان خاص خدا از آن می‌نوشتند، و از هر جا بخواهند آن را جاری می‌سازند! (۶)

آنها به نذر خود وفا می‌کنند، و از روزی که شر و عذابش گسترده است می‌ترسند، (۷)

و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌دهند! (۸)

(و می‌گویند:) ما شما را بخاطر خدا اطعام می‌کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم! (۹)

ما از پروردگارمان خائفیم در آن روزی که عبوس و سخت است! (۱۰)

(بخاطر این عقیده و عمل) خداوند آنان را از شر آن روز نگه می‌دارد و آنها را می‌پذیرد در حالی که غرق شادی و سرورند! (۱۱)

و در برابر صبرشان، بهشت و لباسهای حریر بهشتی را به آنها پاداش می‌دهد! (۱۲)

این در حالی است که در بهشت بر تختهای زیبا تکیه کرده‌اند، نه آفتاب را در آنجا می‌بینند و نه سرما را! (۱۳)

و در حالی است که سایه‌های درختان بهشتی بر آنها فرو افتاده و چیدن میوه‌هایش بسیار آسان است! (۱۴)

و در گرداگرد آنها ظرفهای سیمین و قدحهای بلورین می‌گردانند (پراز بهترین غذاها و نوشیدنی‌ها)، (۱۵)

ظرفهای بلورینی از نقره، که آنها را به اندازه مناسب آماده کرده‌اند! (۱۶)

و در آنجا از جامهای سیراب می‌شوند که لبریز از شراب طهوری آمیخته با زنجبیل است، (۱۷)

از چشمه‌ای در بهشت که نامش سلسبیل است! (۱۸)

و بر گردشان (برای پذیرایی) نوجوانانی جاودانی می‌گردند که هرگاه آنها را ببینی گمان می‌کنی مروارید پراکنده‌اند! (۱۹)

و هنگامی که آنها را ببینی نعمتها و ملک عظیمی را می‌بینی! (۲۰)

بر اندام آنها (بهشتیان) لباسهایی است از حریر نازک سبزرنگ، و از دیبای ضخیم، و با دستبندهایی از نقره آراسته‌اند، و پروردگارشان شراب طهور به آنان می‌نوشاند! (۲۱)

این پاداش شماس، و سعی و تلاش شما مورد قدردانی است! (۲۲)

مسلم ما قرآن را بر تو نازل کردیم! (۲۳)

پس در (تبلیغ و اجرای) حکم پروردگارت شکبیا (و با استقامت) باش، و از هیچ گنهکار یا کافری از آنان اطاعت مکن! (۲۴)

و نام پروردگارت را هر صبح و شام به یاد آور! (۲۵)

و در شبانگاه برای او سجده کن، و مقداری طولانی از شب، او را تسبیح گوی! (۲۶)

آنها زندگی زودگذر دنیا را دوست دارند، در حالی که روز سختی را پشت سر خود رها می‌کنند! (۲۷)

ما آنها را آفریدیم و پیوندهای وجودشان را محکم کردیم، و هر زمان بخواهیم جای آنان را به گروه دیگری می‌دهیم! (۲۸)

این یک تذکر و یادآوری است، و هر کس بخواهد (با استفاده از آن) راهی به سوی پروردگارش برمی‌گزیند! (۲۹)

و شما هیچ چیز را نمی‌خواهید مگر اینکه خدا بخواهد، خداوند دانا و حکیم بوده و هست! (۳۰)

و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) در رحمت (وسیع) خود وارد می‌کند، و برای ظالمان عذاب دردناکی آماده ساخته است! (۳۱)

فضیلت و خواص سوره انسان

سوره «انسان» یا «دهر» یا «هل أتی» (۱) هفتاد و ششمین سوره قرآن کریم است که مدنی و ۳۱ آیه دارد.

شأن نزول این سوره از امام باقر علیه السلام روایت شده است: امام حسن و امام حسین علیهم السلام در دوران کودکی بیمار شدند پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم از آنها عیادت کرد و به امام علی علیه السلام فرمود: ای ابالحسن اگر برای فرزندان نذری کنی خداوند به ایشان عافیت می بخشد.

امام علی علیه السلام و فاطمه سلام الله علیها و فضه نذر کردند که سه روز روزه بگیرند تا بیماری حسنین شفا یابد. در روز اول هنگام افطار مسکینی به در خانه آمد و تقاضای غذا کرد. ایشان غذای خود را به او دادند. روز دوم هنگام افطاریتیم و اسیری به در خانه آمدند و آنها غذای خود را به آنها دادند. روز بیست و پنجم ماه ذی الحجه بود که سوره هل أتی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم نازل شد. (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم در فضیلت این سوره فرمودند: هر کس سوره انسان را قرائت نماید پاداش او بهشت و حوریان بهشتی خواهد بود. (۳)

امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: هر که سوره انسان را قرائت نماید خداوند او را با تعداد زیادی از حوریان بهشتی تزویج نماید و در سرای باقی با پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم خواهد بود. (۴)

در سیره امام رضا علیه السلام آمده است: ایشان در نماز صبح روز دوشنبه و پنجشنبه در رکعت اول سوره حمد و انسان و در رکعت دوم بعد از حمد سوره غاشیه را قرائت می نمود و می فرمود: هر کس در نماز صبح روز دوشنبه و پنجشنبه اینگونه نماز بخواند خداوند در این دو روز ایشان را از شرور در امان می دارد. (۵)

امام صادق علیه السلام همچنین فرمودند: من ضامنم برای هر یک از شیعیانم که در نماز صبح روز پنجشنبه سوره انسان را بخواند و اگر در آن شب یا روز بمیرد با امنیت و بدون حساب از گناهای که انجام داده وارد بهشت می شود و دیوان حسابرسی برای او باز نمی شود و در قبر از او پرسشی نخواهد شد و اگر زنده بود در حفظ و امان الهی است و آفات دنیا از او برداشته می شود و چیزی از جنبنده های زمینی تا پنجشنبه بعد به او آسیبی نمی رساند. (۶)

آثار و برکات سوره

(۱) موجب قدرت روح، اعصاب، قلب

از رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم نقل شده است: هر کس بر قرائت سوره انسان مداومت ورزد اگر روحش ضعیف باشد دارای قدرت روحی می شود و اگر این سوره را بنویسند و پس از شستن، آب شسته شده آن را بنوشند برای درد قلب سودمند است و تنش سلامت می یابد و بیماری هایش خوب می شود. (۷)

امام جعفر صادق علیه السلام نیز فرمودند: قرائت سوره انسان موجب تقویت و نیرومندی روح و قوی شدن اعصاب و آرامش یافتن اضطراب مفید است و اگر کسی که در قرائت آن ضعیف است و نمی تواند آن را بخواند این سوره را بنویسد و پس از شستن آب آن را بنوشد از ضعف نفس جلوگیری می کند و نتیجه بخش است. (۸)

پی نوشت:

(۱) درمان با قرآن، ص ۱۳۳

(۲) مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۴۹

(۳) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۲۰۶

(۴) ثواب الاعمال، ص ۱۲۱

(۵) من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۰۸

(۶) الاصول الستة عشر، ص ۳

(۷) تفسیرالبرهان، ج ۵، ص ۵۴۳

(۸) همان

منبع: «قرآن درمانی روحی و جسمی، محسن آشتیانی، سید محسن موسوی»

سیمای سوره انسان

در روایات آمده است: امام حسن و امام حسین علیهما السلام بیمار شدند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با مردم به عیادت آنان آمدند و به حضرت علی علیه السلام پیشنهاد کردند که برای سلامتی دو کودک عزیز خود نذر کنند که روزه بگیرند. پس از آن که حسنین بهبود یافتند، حضرت علی و حضرت فاطمه علیهما السلام سه روز روزه گرفتند اما برای افطار غذایی در خانه نداشتند.

حضرت علی علیه السلام از شمعون یهودی مقداری جو قرض کرد و نانی تهیه شد.

به هنگام مغرب ابتدا نماز مغرب را خواندند و خواستند افطار نمایند که شب اول فردی مسکین، شب دوم فردی یتیم و شب سوم سائلی اسیر، درب منزل علی علیه السلام را به صدا درآوردند و درخواست غذا کردند. اهل بیت علیهم السلام برای رضای خدا، غذای خود را به آنان دادند و خودشان با آب افطار کردند. خداوند متعال، این سوره را در وصف ایثار آنان نازل فرمود.

مهم آن است که در این حرکت مقدس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سهیم و شریک نبود تا روشن شود که این سوره فقط درباره اهل بیت علیهم السلام نازل شده است. [۱]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً ﴿١﴾ إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعاً بَصِيراً ﴿٢﴾

آیا بر انسان دوره ای از روزگار گذشت که چیزی قابل ذکری نبود؟ همانا ما انسان را از نطفه ای آمیخته (از نطفه مرد و زن) آفریدیم تا او را بیازماییم، پس او را شنوا و بینا گردانیدیم.

نکته ها:

* «دهر» به معنای زمان و دوران و «أَمْشَاجٍ» جمع «مشیج» به معنای مخلوط است.

* امام باقر علیه السلام در روایتی فرمودند: «كَانَ شَيْئًا لَمْ يَكُنْ مَذْكُورًا» [۲] انسان، چیزی بود ولی قابل ذکر نبود و بعداً قابلیت پیدا کرد.

* امام صادق علیه السلام می فرماید: انسان در تقدیر الهی بود، ولی چیز موجودی نبود. «لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكُورًا» [۳]

* امام باقر علیه السلام فرمودند: مراد از «تُطْفَهُ أُمُشَاجٍ»، اختلاط نطفه مرد با زن است [۴]

* برای بیدار کردن وجدان خفته، گاهی مسائل قطعی در قالب سؤال مطرح می شود. چنانکه مادر از فرزند خود می پرسد: آیا من به تو شیر ندادم؟ در این آیه هم کلمه «هَلْ» به معنای «قد» می باشد. هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ ... یعنی به تحقیق، بر هر انسانی دورانی گذشته که چیز قابل ذکر نبوده است.

* ناچیز بودن انسان گاهی طبیعی است، «لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكُورًا» ولی گاهی به خاطر عملکرد نامناسب، انسان خودش را به مرز ناچیز بودن می رساند. چنانکه قرآن می فرماید: يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَ... ای اهل کتاب! اگر کتاب آسمانی را برپا ندارید، هیچ هستید. [۵]

* قرآن، ۱۲ مرتبه از آفرینش انسان از نطفه یاد کرده است، تا هم قدرت خداوند معلوم شود که از نطفه ای انسان می سازد و هم انسان دچار غرور و تکبر نگردد.

پیام ها:

۱- انسان، باید درباره منشأ وجود خود فکر کند. «لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكُورًا»

۲- انسان موجودی نوآفریده و حادث است. «لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكُورًا»

۳- انسان در مسیر وجودی خود، روند تکاملی داشته و مراحل را طی نموده است: ابتدا وجود نداشت، «لَمْ يَكُنْ شَيْئًا» [۶] بعد از بوجود آمدن هم، چیز قابل ذکری نبود «لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكُورًا»

[۲] - تفسیر برهان.

[۳] - تفسیر کنز الدقائق.

[۴] - تفسیر نور الثقلین.

[۵] - مائده ۶۸.

[۶] - مریم، ۶۷.

۴- یاد ضعف ها، غرور انسان را برطرف و او را تسلیم خداوند می کند. «لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَذْكُوراً»

۵- آفرینش انسان از نطفه ای ناچیز، جلوه ای از عظمت الهی است. إنا خلقنا الإنسانَ مِنْ نُطْفَةٍ ...

۶- خداوند، با صورت گری روی آب، قدرت نمایی می کند. «مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ»

۷- آفرینش انسان، حکیمانه و هدفدار است. خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ ... نَبْتَلِيهِ

۸- انسان، موجودی مسئول و مکلف است. (آزمایش کردن نشانه تکلیف است.) «نَبْتَلِيهِ»

۹- همه انسان ها در طول تاریخ مورد آزمایش الهی واقع می شوند. «نَبْتَلِيهِ»

۱۰- بیان دو ویژگی شنوایی و بینایی برای نمونه است و گرنه تمام اعضای بدن مورد امتحان واقع می شوند. «سَمِيعاً بَصِيراً»

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِراً وَ إِمَّا كَفُوراً «۳» إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَ أَغْلَالاً وَ سَعِيراً «۴»

به راستی ما راه (حق) را به او نمایانیدیم، خواه شاکر (و پذیرا) باشد یا ناسپاس. همانا ما برای کفر پیشه گان زنجیرها و غل ها و آتشی برافروخته آماده ساخته ایم.

نکته ها:

* هدایت، چند گونه است:

گاهی هدایت فطری است. چنانچه قرآن می فرماید: «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا» [۷] خداوند به نفس بشر، خیر و شر را الهام کرد.

نوع دیگر، هدایتی است که از طریق تحصیل، تعقل، مشورت، تجربه و مطالعه به دست می آید.

و نوع سوم هدایتی است که از راه تبلیغ و ارشاد انبیا و اولیا صورت می گیرد.

* تشکر گاهی قلبی است، یعنی همه نعمت ها را از خدا بدانیم؛ گاهی عملی است، بدین معنا که انسان نعمت های خداوند را فقط در راه حق مصرف کند و گاهی زبانی است، یعنی انسان «الحمد لله رب العالمین» را بر زبان جاری کند.

* «سلاسل» جمع «سلسله» به معنای زنجیر و «اغلل» جمع «غل» به معنای طوقی است که به گردن می نهند و «سعیر» به معنای آتش افروخته است.

* امام صادق علیه السلام ذیل آیه «إِذَا شَاكَرًا وَإِذَا كَفُورًا» فرمودند: «عرفناه اما آخذ و اما تارك» [۸] ما راه را به او معرفی کردیم، یا آن را می گیرد و یا رها می کند.

* «سَلَسِلًا وَ أَغْلَالًا» یعنی زنجیر در پا و غل بر گردن.

* انسان در مسیر بندگی و تشکر از خداوند، مرحله ضعیف یا متوسطی را طی می کند ولی در طریق سرکشی و تمرد، مرحله بالایی را می پیماید. در شکر، شاکر است (نه شکور)، ولی در کفر، کفور است. «إِذَا شَاكَرًا وَإِذَا كَفُورًا» یعنی شکر او معمولی ولی کفر او قوی است. به چند نمونه دیگر توجه کنید. قرآن می فرماید:

«إِنَّهُ لَيُؤْسٍ» [۹] انسان بسیار مأیوس است.

«إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ» [۱۰] به راستی که انسان بسیار ظالم است.

«كَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا» [۱۱] انسان موجودی عجول است.

«كَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا» [۱۲] انسان، تنگ نظر است.

«إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا» [۱۳] انسان بسیار حریص و کم طاقت است.

[۸] - تفسیر کنزالدقائق.

[۹] - هود، ۹.

[۱۰] - ابراهیم، ۳۴.

[۱۱] - اسراء، ۱۱.

[۱۲] - اسراء، ۱۰۰.

[۱۳] - معارج، ۱۹.

«إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً» [۱۴] هنگامی که شرّی به او رسد، بسیار جزع و فزع می کند.

«إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ» [۱۵] انسان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس و بخیل است.

پیام ها:

۱- آزمایش انسان، براساس آگاهی و آزادی است:

آگاهی به واسطه چشم و گوش و عقل و فطرت درونی و هدایت بیرونی؛ و آزادی بر مبنای اختیار که به تمام انسان ها داده شده است: نَبْتَلِيهِ ... سَمِيعاً بَصِيراً إِنْ هَدَيْنَاهُ ... إِمَّا شَاكِراً وَ إِمَّا كَفُوراً

۲- خداوند، حجت را بر انسان تمام کرده است. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ»

۳- راه درست، یکی بیش نیست. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ» (کلمه «سبیل» مفرد است).

۴- هدایت، نعمتی در خور سپاس است. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِراً» (پیمودن راه دین، شکر الهی و انحراف از آن، کفران و ناسپاسی است).

۵- کسانی که هدایت انبیا را نپذیرند، بالاترین مرحله از کفر را مرتکب شده اند.

(به جای آنکه بگویند «اما کافرا»، فرمود: «إِمَّا شَاكِراً وَ إِمَّا كَفُوراً». زیرا «کفور»، اوج کفر است).

۶- هر کس شاکر نباشد، کفور است، راه سوّمی وجود ندارد. «إِمَّا شَاكِراً وَ إِمَّا كَفُوراً»

۷- در تربیت انسان، نقش هشدار، بیش از بشارت است. (لذا قرآن ابتدا هشدار می دهد و سپس بشارت). إِنْ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ ...

۸- کیفرهای الهی دارای ملاک و معیارند. «أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالاً وَ سَعِيراً»

۹- هر انتخابی، سرانجام خود را به دنبال دارد. کفر، دوزخ را و شکر، بهشت را.

[۱۴] - معارج، ۲۰.

[۱۵] - عادیات، ۶.

إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا ... إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ ... إِنَّ الْأَبْرَارَ ...

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ﴿٥﴾ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ﴿٦﴾

همانا نیکان از پیمانه ای می نوشند که با کافور (گیاهی خوشبو) آمیخته شده است. چشمه ای که بندگان خدا از آن می نوشند و هر گونه بخواهند، آن را جاری می سازند.

نکته ها:

* «ابرار» یا جمع «برّ» است، (همانند «ارباب» که جمع «رَبّ» است) یا جمع «بار» است (نظیر «اشهاد» که جمع «شاهد» است). به هر حال «بر» به معنای گستردگی است و بیابان را به خاطر گستردگی آن، «بر» می گویند. انسان نیکوکار دارای روحی باز و گسترده است و هدف او از انجام کار نیک، رسیدن به مال و مقام نیست بلکه فکری فراتر از مال و مقام دارد. دست نیکوکاران برای کمک به دیگران باز و اجر آنان نیز گسترده است [۱۶]

* «کافور» به معنای گیاه خوشبو است که در خنکی و سفیدی ضرب المثل است.

* «تفجیر» به معنای شکافتن است و به کسی که با گناه پرده حیا را بشکافد، «فاجر» می گویند و «فجر» نوری است که تاریکی شب را می شکافد.

* براساس روایات، مراد از «ابرار» در این آیات، اهل بیت پیامبر علیهم السلام هستند که با نذر روزه گرفتند و افطاری خود را به یتیم و مسکین و اسیر دادند که در آیات بعد آمده است.

با اینکه عده ای این سوره را مدنی می دانند، اما بعضی مغرض و مخالف می گویند: سوره انسان مکی است و حَسَنین علیهما السلام در مدینه متولد شده اند، بنابراین این آیات درباره اهل بیت نازل نشده، زیرا بیماری آنان و عیادت پیامبر و روزه والدین آنها در مدینه بوده است!

در پاسخ می گوئیم: در بسیاری از سوره های مکی، آیات مدنی وجود دارد و بهترین شاهد مطلب آن است که کلمه «أسیر» در این آیات آمده، با آن که در مکه اسیری وجود نداشته و اسیر گرفتن مربوط به جنگ های پس از هجرت به مدینه است.

پیام ها:

۱- احسان و نیکوکاری جلوه ای از شکر هدایت الهی است. إِمَّا شَاكِرًا ... إِنَّ الْأَبْرَارَ ...

۲- نوشیدنی های بهشتی مخلوط باموادّ خوشبو و معطر است. «كَانَ مَزَاجُهَا كَأَفُورًا»

۳- کامیابی های بهشتی به کسانی تعلّق می گیرد که خود را به مرحله عبودیت رسانده باشند. «يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ»

۴- محرومیت های موقت بندگان خدا در دنیا، در قیامت جبران می شود. «يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ»

۵- اهل بیت، به خاطر رسیدگی به محرومان، به لقب ابرار و به خاطر اطاعت از خداوند، به لقب عباد الله ملقب شدند. إِنَّ الْأَبْرَارَ ... عِبَادُ اللَّهِ

۶- بندگان خدا، اهل نیکی به دیگران هستند و نیکوکاران، بنده خدا هستند.

الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ ... يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ

۷- اراده بهشتیان کارساز است و آنان به هر چه اراده کنند می رسند و هر چه را اراده کنند انجام می شود. «يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا»

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا «۷» وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا «۸» إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا «۹» إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا «۱۰»

آنان به نذر وفا می کنند و از روزی که شرش فراگیر است می ترسند و غذای خود را با آن که دوستش دارند، به بینوا و یتیم و اسیر می دهند. (و می گویند: ما برای رضای خدا به شما طعام می دهیم و از شما پاداش و تشکری نمی خواهیم. همانا ما از پروردگارمان، به خاطر روزی عبوس و سخت، می ترسیم.

نکته ها:

* «مستطیر» از «سیطائره» یعنی سلطه است و ریشه آن «طیر» به معنای گستردگی است.

* «قمطیر» به معنای شری است که سخت باشد.

* بر اساس برخی روایات، اطعام مسکین و یتیم و اسیر در یک شب واقع شد و براساس برخی، در سه شب متوالی اتفاق افتاد و هر شب، یکی از آنها مراجعه کرد.

* مراد از «يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ» آن است که اهل بیت با آنکه آن غذا را دوست داشتند، به دیگران دادند. چنانکه قرآن در جای دیگر می‌فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» به نیکی نمی‌رسید مگر آنکه از آنچه دوست دارید، انفاق کنید [۱۷]

صاحب تفسیر المیزان می‌فرماید: محبت اهل بیت به خداوند در آیه بعد مطرح شده که می‌گویند: «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ» و منظور از «عَلَى حُبِّهِ»، علاقه به غذا است که در این صورت، علاوه بر اخلاص، ایثار آنان نیز ثابت می‌شود.

* اگر به فکر نام و شهرت نباشید، خداوند نامتان را جاودانه می‌کند. کاری که اهل بیت کردند، ارزش مادی فراوانی نداشت ولی چون خالصانه بود، خداوند آن را ماندگار ساخت.

* در این آیه، کلمات مسکین و یتیم و اسیر به صورت نکره آمده تا بگوید: در اطعام، نباید گزینش کرد، بلکه به هر کس که بود انفاق کنید.

* پروین اعتصامی درباره اخلاص در انفاق می‌گوید:

بزرگی داد یک درهم گدا را

که هنگام دعا یاد آر ما را

یکی خندید و گفت این درهم خُرد

نمی‌ارزید این بیع و شری را

مکن هرگز به طاعت خودنمایی

حجاب دل مکن روی و ریا را

تو نیکی کن به مسکین و تهیدست

که نیکی خود سبب گردد دعا را

به وقت بخشش و انفاق پروین

نباید داشت در دل جز خدا را

* خوف از خداوند، به معنای خوف از مقام اوست. چنانکه در جای دیگر می فرماید: «وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ» [۱۸]

پیام ها:

۱- کمال واقعی زمانی است که نیکی در انسان نهادینه شود. (تمام کمالات با فعل مضارع که نشانه استمرار فعل است، آمده است). يُوَفُّونَ ، يَخَافُونَ ، يُطْعِمُونَ و...

۲- اطعام و انفاق زمانی ارزش بیشتر دارد که شیء انفاق شده، مورد نیاز و علاقه انسان باشد. «يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ»

۳- اسلام، حامی مستمندان و یتیمان و اسیران است. وَ يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ ... مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أُسِيرًا

۴- گروهی طعام را دوست دارند و گروهی اطعام را. «يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ»

۵- اطعام، زمانی ارزش بیشتری دارد که از خود و با دست خود باشد. «نُطْعِمُكُمْ»

۶- کمکی ارزش دارد که خالصانه و به دور از هر منت و انتظاری باشد. «نُطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ»

۷- آنچه به عمل ارزش می دهد، انگیزه خالصانه و اخلاص در عمل است.

«نُطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكْرًا»

۸- نیکان، نه تنها با زبان درخواست تشکر ندارند، بلکه در دل هم به فکر تمجید و تشکر نیستند. لَا نُرِيدُ ... شُكْرًا

۹- گرچه ابرار انتظار پاداش ندارند ولی مردم نباید بی تفاوت باشند. در آیه ۲۵ سوره قصص می خوانیم: حضرت شعیب دخترش را فرستاد تا پاداش سقایی و آب دادن حضرت موسی را بپردازد. «إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ»

۱۰- گذشتن از پاداش، به تنهایی نشانه اخلاص نیست، بلکه گذشتن از تمجید و تشکر نیز لازم است. «لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُوراً»

۱۱- وفای به نذر واجب است و کسی که به نذر خود وفا نکند، از قهر الهی بترسد. «يُؤْفُونَ بِالَّذِينَ وَعَدُوا»

۱۲- اگر کاری برای خدا باشد، فقط از قهر او می ترسیم، نه مردم. «نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا»

۱۳- داشتن انگیزه الهی، منافاتی با شوق به ثواب یا خوف از عقاب ندارد. زیرا ثواب و عقاب نیز از خداست. لِوَجْهِ اللَّهِ ... إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبُوسًا

۱۴- در قیامت، نه تنها مردم عبوسند، بلکه روز عبوس است. «يَوْمًا عَبُوسًا»

۱۵- برای فرار از آن روز عبوس، امروز در برابر مسکین و یتیم و اسیر، عبوس نکنید. «نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبُوسًا»

فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَ سُورًا^{۱۱} وَ جَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا^{۱۲} مُتَكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأُرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَ لَا زَمْهَرِيرًا^{۱۳} وَ دَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَ ذُلَّتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا^{۱۴} وَ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآنِيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَ أَكْوَابُ كَانَتْ قَوَارِيرًا^{۱۵} قَوَارِيرًا مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا^{۱۶} وَ يُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا^{۱۷} عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا^{۱۸}

پس خداوند آنان را از شرّ آن روز مصون دارد و آنان را با شادی و سُوروی بس بزرگ روبرو کند. و به سبب صبری که کردند، بهشتی بزرگ و پوششی از حریر پاداششان دهد. در حالی که در آن بر تخت ها تکیه زده اند، در آنجا نه آفتابی بینند و نه سرمای. و سایه های درختان بر سرشان نزدیک و خوشه های میوه در دسترس آنان. بر دور آنان ظرف های نقره فام و تنگ های بلورین گردانده شود.

بلورهایی از نقره که در اندازه هایی (معین و متفاوت) اندازه گیری کرده اند. در آن بهشت، جامی نوشانده می شوند که با زنجبیل آمیخته است. چشمه ای در آنجا است که سلسبیل نامیده می شود.

نکته ها:

* «نَضْرَةً» به معنای زیبایی و شادایی است. چنانکه در جای دیگر می خوانیم: «وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ» [۱۹] «ارائک» جمع «اریکه» به معنای تخت زینت داده شده است.

* «زمهریر» به معنای سرمای شدید و «قطوف» جمع «قطف»، به معنای چیدن است.

* «تذلیل» در معنای رام کردن و در اختیار گذراندن است.

* «اُكُوبٍ» جمع «كُوب» به معنای کاسه و «قواریر» جمع «قاروره» به معنای شیشه و «سلسبیل» نام چشمه ای در بهشت است.

* امام باقر علیه السلام ذیل آیه «جَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا» فرمود: پاداش ابرار به خاطر صبری است که در برابر فقر و مصیبت های دنیا داشتند. [۲۰] چنانکه حضرت علی علیه السلام فرمود: «صبرت و فی العین قذی و فی الحلق شجی» [۲۱] صبر کردم در حالی که در چشم، خار و در گلو تیغ داشتم. و درباره امام حسین علیه السلام می خوانیم: «لقد عجت من صبرک ملائکه السماوات» [۲۲] همانا از صبر تو فرشتگان آسمان به تعجب افتادند.

* اطعام ابرار برای دو هدف صورت گرفت: «لِوَجْهِ اللَّهِ» و «نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا» و به آن دو

هدف هم رسیدند. «فَوَقَّاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا»

* صابران نه تنها در قیامت پاداش می بینند، بلکه در دنیا، سلام و صلوات الهی را دریافت می کنند. «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ» [۲۳]، «بَشِّرِ الصَّابِرِينَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ» [۲۴]، «إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا» [۲۵]

* نعمت های بهشتی در اعلی درجه خوبی هستند. تنوین در کلمات «نَضْرَةً»، «سُرُورًا»، «جَنَّةً»، «حَرِيرًا» برای عظمت است.

پیام ها:

۱- خداوند، مخلصان را به مراد خود می رساند. إِنَّا نَخَافُ ... يَوْمًا عَبُوسًا - فَوَقَّاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ

[۲۰] - بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۸۶.

[۲۱] - نهج البلاغه، خطبه ۳.

[۲۲] - بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۳۹.

[۲۳] - رعد، ۲۴.

[۲۴] - بقره، ۱۵۵.

[۲۵] - مؤمنون، ۱۱۱.

۲- ثمره خوف از خدا، نجات از قهر اوست. إِنَّا نَخَافُ ... فَوْقَاهُمْ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ

۳- کیفر و پاداش باید متناسب با عمل باشد. (حفظ و نجات محرومان، سبب حفظ و نجات انسان در قیامت است).
«فَوْقَاهُمْ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ»

۴- ترس امروز، امنیت فردا و مسرور کردن امروز، مسرور شدن فردا را به دنبال دارد. نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا ... فَوْقَاهُمْ اللَّهُ ...
وَلَقَاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا

۵- پاداش های الهی به خاطر صبر است. «جَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا»

۶- بهشتیان در آسایش و آرامش به سر می برند. «مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ»

۷- هوای بهشت بسیار مطبوع است. «لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمَهْرِيرًا»

۸- در بهشت، نعمت ها تسلیم ابرار هستند. «ذَلَّلْتُ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا»

۹- خادمان بهشتیان، پروانه وار به دور آنان می چرخند. «يُطَافُ عَلَيْهِمْ»

۱۰- ظرف های بهشت در شکل و اندازه های متفاوت و مطابق با اراده و میل بهشتیان ساخته شده است. «قَدَرُوهَا تَقْدِيرًا»

و يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنثورًا «۱۹» وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلَكًا كَبِيرًا «۲۰»
عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضَرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا «۲۱» إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً
وَمَا تَسْأَلُونَ «۲۲»

و پسرانی همیشه جوان، (به خدمت) بر آنان می گردند، هرگاه آنان را بینی، پنداری مرواریدهای غلطان و پراکنده اند. و چون آنجا را بنگری نعمتی فراوان و سلطنتی بزرگ می بینی. بر اندامشان جامه های سبز از دیبای نازک و ضخیم است و با دستواره های نقره زینت شده اند و پروردگارشان شرابی طهور (پاک و پاک کننده) به آنان می نوشاند. همانا این جزایی است برای شما و سعیتان مورد سپاس است.

نکته ها:

* از امام کاظم علیه السلام پرسیدند: چرا در این سوره نامی از حورالعین در پاداش ابرار و اهل بیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مطرح نشده است؟ امام علیه السلام فرمودند: به خاطر مقام فاطمه زهرا علیها السلام. [۲۶]

* امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کنند: هنگامی که بهشتیان وارد بهشت می شوند، با درختی روبرو می شوند که سایه ای گسترده دارد و از پای آن دو چشمه جاری است، آنان در چشمه ای خود را می شویند و از چشمه دیگر می نوشند و پس از آن هیچ بیماری و ناراحتی در بدن آنها رخ نمی دهد و این است معنای «سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا». [۲۷]

نعمت های بهشتی

* میان نعمت های بهشتی با نعمت های دنیا تفاوت های بسیاری وجود دارد، که در اینجا به گوشه ای از آنان اشاره می کنیم:

بسیار زیادند: «فَاكِهِهٖ كَثِيرَهٗ» [۲۸]

موسمی و فصلی نیستند: «لَا مَقْطُوعَهٗ» [۲۹]

در بهره گیری از آنها هیچ منعی وجود ندارد. «وَلَا مَمْنُوعَهٗ» [۳۰]

بهشتیان در استفاده از آنها حس انتخاب دارند. «مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ» [۳۱]

برای هر نوع اشتها، نعمتی موجود است: «مِمَّا يَشْتَهُونَ» [۳۲]

[۲۶] - مناقب، ج ۳، ص ۳۲۸.

[۲۷] - بحار، ج ۸، ص ۲۱۲.

[۲۸] - واقعه، ۳۲.

[۲۹] - واقعه، ۳۳.

[۳۰] - واقعه، ۳۳.

[۳۱] - واقعه، ۲۰.

[۳۲] - واقعه، ۲۱.

استفاده از آنها آفات و عوارضی به دنبال ندارد: «لَا يُصَدَّعُونَ» [۳۳]

بهره گیری از آنها بدون زحمت است. «وَدَلَّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا» [۳۴]

هرچه بخواهید، خادمان برایتان فراهم می کنند: «وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ»

خادمان بهشتی هم زیبا هستند: «لَوْلُؤَا مَنُورًا»، هم پیر نمی شوند: «مُخَلَّدُونَ»

کامیابی در کمال آرامش است: «عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِينُونَ» [۳۵]

در بهشت حسادت و رقابت در آنجا راهی ندارد. «نَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ» [۳۶]

نعمت ها با رضا و سلام پروردگار همراه است: «وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ» [۳۷] ، «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ» [۳۸]

ذریه مؤمن به آنها می پیوندند و کامیاب می شوند: «أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ» [۳۹]

با اولیای الهی همسایه می شوند: «وَهُمْ جِيرَانِي» [۴۰]

نعمت های بهشتی متنوع اند: وَ أَنهَارٌ مِّن لَّبَنٍ ... وَ أَنهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ. [۴۱]

پیام ها:

[۳۳] - واقعه، ۱۹.

[۳۴] - انسان، ۱۴.

[۳۵] - یس، ۵۶.

[۳۶] - واقعه، ۱۶.

[۳۷] - توبه، ۷۱.

[۳۸] - یس، ۵۸.

[۳۹] - طور، ۲۱.

[۴۰] - دعای ندبه.

[۴۱] - محمد، ۱۵.

۱- پذیرایی در بهشت، خصوصیات ویژه ای دارد. از جمله:

نیازی به درخواست و تقاضا ندارد، زیرا پذیرایی کنندگان همواره به دور بهشتیان می گردند. «يَطُوفُ»

مسئولین پذیرایی از هر سو بر بهشتیان اشراف دارند. «يَطُوفُ عَلَيْهِمْ»

پذیرایی کنندگان نوجوانند. «وُلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ» [۴۲]

قیافه آنان مانند لؤلؤ درخشنده است. «حَسْبَتْهُمْ لُؤْلُؤًا»

حکومت بهشتیان گسترده است. «مُلُكًا كَبِيرًا»

رنگ لباس پذیرایی کنندگان سبز «خَضِرٌ» و جنس لباس آنان از ابریشم نازک «سُنْدُسٍ» و ضخیم «إِسْتَبْرَقٌ» است.

ساقی ابرار، پروردگار متعال «سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ» و نوع شراب آنها، طهور است.

«شَرَابًا طَهُورًا» (امام صادق علیه السلام فرمود: این شراب، قلب بهشتیان را از غیر خدا پاک می کند) [۴۳]

۲- با آنکه بهشت، فضل و لطف الهی است، اما خداوند آن را مزد و اجر ابرار می شمرد تا بهشتیان به کار خود ببالند. «إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً»

۳- پاداش های الهی بر اساس نیت و کیفیت انجام کار است، نه بر اساس کمیت کار و مقدار و مبلغ احسان. (چند قطعه نان جو و این همه پاداش، فقط به خاطر داشتن اخلاص و ایثار است). «إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَ كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا»

۴- کسی که از مردم، نه پاداش طلب کند و نه تشکر بخواهد، «لَا تُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا»، خداوند به او هم پاداش می دهد و هم تشکر می کند. «كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَ كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا»

۵- تشکر و قدردانی از تلاش دیگران، یک صفت الهی است. «سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا»

۶- نطفه بی مقدار «نُطْفَهٗ اُمُّشَاجٍ» بر اثر ایمان و عمل و اخلاص و ایثار به جایی می رسد که آفریدگار هستی از او تشکر می کند. «وَ كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا»

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا «۲۳» فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا «۲۴» وَ اذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا «۲۵»

همانا ما خود قرآن را بر تو فرو فرستادیم. پس در برابر حکم پروردگارت صبر پیشه کن و از هیچ گنه کار یا کفران پیشه اطاعت مکن. و در هر صبح و شام، نام پروردگارت را یاد کن.

نکته ها:

* «بُكْرَةً» به فاصله میان طلوع فجر و طلوع آفتاب گفته می شود «اصیل» به معنای فاصله عصر تا غروب و آخر روز است. ممکن است مراد از این دو کلمه، یاد خدا در آغاز و انجام روز و اقامه نماز باشد.

پیام ها:

۱- در برابر تهمت سحر و کهنانت به قرآن، مقاومت کنید. «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ»

۲- قرآن به تدریج نازل شده است. «نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ»

۳- پیاده کردن فرامین قرآن، صبر و مقاومت لازم دارد. نَزَّلْنَا ... فَاصْبِرْ

۴- پایداری و صبر، در انجام فرمان پروردگار ارزش دارد نه در پافشاری به سلیقه های شخصی خود. «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ»

۵- فرامین الهی، برای رشد انسان است. «لِحُكْمِ رَبِّكَ»

۶- انبیا به موعظه الهی نیاز دارند. «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ»

۷- گناه پیشه گان و خلافاکاران تلاش می کنند که در رهبری مسلمانان نفوذ کنند.

«فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا»

۸- یاد خدا، انسان را صبور و مقاوم می کند. فَاصْبِرْ ... وَ اذْكُرْ ... بُكْرَةً وَأَصِيلًا

۹- از اوقات مناسب برای یاد خدا، آغاز و پایان روز است. «بُكْرَةً وَأَصِيلًا»

وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَ سَبِّحْهُ لَيْلاً طَوِيلًا ﴿٢٦﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَ يَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا ﴿٢٧﴾

و بخشی از شب را برای او سجده کن و در بخشی طولانی از شب به تسبیح او پرداز. همانا اینان دنیای زودگذر را دوست دارند و روز گرانبار (قیامت) را پشت سر می نهند.

نکته ها:

* فرمان عبادت و تکرار کلمه «لیل» در یک آیه کوتاه، نشانه ی اهمیت و نقش شب در عبادت است.

* از امام صادق و امام رضا علیهما السلام پرسیدند: مراد از فرمان «سَبِّحْهُ لَيْلاً طَوِيلًا» چیست؟ فرمودند: نماز شب [٤٤]

پیام ها:

۱- محبت و دلبستگی به دنیا، سرچشمه گناه و کفر و از نشانه های گناه پیشگان است. لَا تَطْعُ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا ... إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ

۲- دنیا، زودگذر و ناپایدار است. «الْعَاجِلَةَ»

۳- دنیاگرایی و آخرت گریزی، زمینه گناه پیشگی است. آثِمًا ... يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَ يَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا

۴- قیامت، روزی بسیار سخت و سنگین است. «يَوْمًا ثَقِيلًا»

۵- توجه به زودگذر بودن دنیا و سختی و سنگینی روز قیامت، از عواملی است که می تواند محبت انسان را از دنیا کم کند. الْعَاجِلَةَ ... يَوْمًا ثَقِيلًا

نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَ شَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَ إِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَلَهُمْ تَبْدِيلًا ﴿٢٨﴾ إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿٢٩﴾ وَ مَا تَشَاوُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٣٠﴾ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَ الظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٣١﴾

مائیم که خلقشان کردیم و مفاصلشان را محکم ساختیم و هرگاه بخواهیم مانند آنها را چنانکه باید به جای آنان می آوریم. به راستی این آیات، وسیله تذکری است، پس هرکه بخواهد، راهی به سوی پروردگارش در پیش گیرد.

شما چیزی رانمی خواهید، مگر این که خدا بخواهد، همانا خداوند دانا و حکیم است. هر که را بخواهد به رحمت خود درمی آورد و برای ظالمان عذابی دردناک آماده کرده است.

نکته ها:

* «اسر» بستن با بند است و «اسیر» کسی است که در بند بسته شده است. مراد از «شَدَدْنَا أَسْرَهُمْ» آن است که بندها و مفاصل آدمی را محکم کردیم.

پیام ها:

- ۱- کفر و طغیان بستر نابودی انسان است. اَثِمًا أَوْ كَفُورًا ... بَدَّلْنَا أَمْثَلَهُمْ
- ۲- توانایی خداوند بر آفرینش انسان، نشانه توانایی او بر نابود کردن او است.
خَلَقْنَاهُمْ ... بَدَّلْنَا أَمْثَلَهُمْ
- ۳- خداوند، حجت را بر مردم تمام کرده است. «إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ»
- ۴- قرآن، وسیله هوشیاری است. «إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ»
- ۵- راه خدا، اجباری نیست، هر که می خواهد به سعادت برسد، باید خود آن را انتخاب کند و بپیماید. «فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا»
- ۶- خواست انسان، نه مستقل از خواست خداوند است و نه برتر از آن. بلکه آنچه را انسان می خواهد، اگر مورد خواست خداوند نیز قرار گیرد، محقق می شود.
«وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ»
- ۷- مشیت خداوند، عالمانه و حکیمانه است، نه گزافه. يَشَاءَ اللَّهُ ... عَلِيمًا حَكِيمًا
- ۸- بر اساس مشیت حکیمانه، کسانی که بخواهند مشمول رحمت الهی می شوند.
«يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ»
- ۹- کسانی از رحمت الهی دورند، که خود راه ظلم را پیش گرفته اند. «وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»
«والحمد لله رب العالمين»